



گفت و گو با نجوا عرفانی، هنرمند نقاشی

شمایل به روزشدهای از اسطوره‌ها

نجوا عرفانی متولد ۱۳۶۳ در تهران است. در دانشگاه هنر تهران کارشناسی گرافیک و کارشناسی ارشد تصویرسازی خوانده. با او درباره نقاشی‌هایش و هنر امروز ایران صحبت کرده‌ایم.



اسطوره‌ها و نبرد دائمی خیر و شر

از زمانی که تصویرسازی می‌کردم اسطوره‌ها همواره موضوع کار من بوده‌اند. از جمله تصویرسازی‌های من، تصویرسازی داستان‌های شاهنامه بوده است. به دلیل علاقه شدیدی که به اسطوره داشتم، این موضوع در کارهای بعدی من هم ادامه پیدا کرد. اما رابطه من با اسطوره به این شکل است که از آن الهام می‌گیرم و سعی می‌کنم از مضمون و جهان تثبیت شده آن فراتر بروم. بدون اینکه داستان یا اسطوره خاصی موضوع اثر من باشد، برداشتی کلی از آنها ارائه می‌کنم. گاهی اسطوره‌ها را تغییر و یا با هم تطبیق می‌دهم. به عقیده من نبرد خیر و شری که در آثارم رخ می‌دهد، در جامعه هم وجود دارد. برای نمونه تعدادی از شخصیت‌های مرد شاهنامه را در شمایل زنانه به تصویر کشیده‌ام. زیرا اعتقاد دارم که زنان بیشتر از مردان مبارزه می‌کنند و در حال جنگیدن برای به دست آوردن حقوق از دست رفته خود هستند. در یک دوره‌ای هم تحت تأثیر «نقاشی قهوه‌خانه» یا «خیالی‌سازی» بودم. نقاشی خیالی‌سازی قوانین خاص خودش را دارد. در دوره‌ای من عناصر این سبک را وام می‌گرفتم و آنها را در فضای معاصرتری وارد سبک خودم می‌کردم. در مواردی هم در نقاشی‌هایم به تاریخ هنر غرب اشاره کرده‌ام و در عین حال، اثرم بازتابی از اتفاقاتی بوده است که در جامعه معاصر با خودم رخ داده است.

از زمانی که تصویرسازی می‌کردم اسطوره‌ها همواره موضوع کار من بوده‌اند. از جمله تصویرسازی‌های من، تصویرسازی داستان‌های شاهنامه بوده است. به دلیل علاقه شدیدی که به اسطوره داشتم، این موضوع در کارهای بعدی من هم ادامه پیدا کرد. اما رابطه من با اسطوره به این شکل است که از آن الهام می‌گیرم و سعی می‌کنم از مضمون و جهان تثبیت شده آن فراتر بروم. بدون اینکه داستان یا اسطوره خاصی موضوع اثر من باشد، برداشتی کلی از آنها ارائه می‌کنم. گاهی اسطوره‌ها را تغییر و یا با هم تطبیق می‌دهم.

نزدیک تر شدن هنر و مردم به یکدیگر

به شخصه تأثیر زیادی از مردم و نوع نگاه آنها می‌گیرم. سعی می‌کنم از دید آنها به کارهای خودم نگاه کنم. این نوع برخورد با اثر هنری راه جدیدی پیش روی شما می‌گشاید. نزدیک شدن به جهان آدم‌هایی که قرار است مخاطب آثار شما باشند کمک می‌کند شناخت بهتری از کاری که می‌کنید به دست آورید. به همین دلیل می‌توانم بگویم من در آثارم تحت تأثیر فضای جامعه هستم و با اینکه از المان‌های اساطیری و شاهنامه در نقاشی‌هایم استفاده می‌کنم، اما در حقیقت فضایی که می‌سازم یک فضای معاصر است. از طرف دیگر مردم هم به هنر و هنرمندان نزدیک‌تر شده‌اند. فکر می‌کنم فضای مجازی و مخصوصاً اینستاگرام، در علاقه‌مند کردن مردم به هنر تأثیرگذار بوده باشد. قبل از این بسیاری از مردم تصور می‌کردند که هنر ارتباطی با آن‌ها ندارد ولی حالا با دنبال کردن صفحات اینستاگرام هنرمندان با این حوزه ارتباط نزدیک‌تری برقرار کرده‌اند. من به این اتفاق خوش بین هستم.

اجتماعی تر شدن هنر

هنرمندان هم‌نسل من به سمت مسائل اجتماعی و مسائل شخصی‌تر کشش پیدا کرده و از کلی‌گویی‌هایی که قبلاً رایج بود فاصله گرفته‌اند. می‌توان گفت بیان هنرمندان ایرانی شخصی‌تر شده است و در مواردی هم که به نقاشی گذشته ایران رجوع کرده‌اند تلاش‌شان این بوده مضامین وام‌گرفته از گذشته را به جهان شخصی خود پیوند دهند. برای مثال افراد زیادی هستند که نگارگری ایرانی، نقاشی‌های قاجاری و موضوعات مشابه را منبع الهام خود قرار داده‌اند ولی این منابع در احوالات شخصی و تحولات زمانه هنرمند ترکیب شده و به خلق مضمون‌های تازه‌ای منجر شده‌اند. این روزها هنرمندان بیشتر روی موضوعات اجتماعی کار می‌کنند. به شکل قابل توجهی موضوعات اجتماعی و سیاسی وارد کارهای هنرمندان تجسمی از جمله نقاشان شده است. ولی همان‌طور که گفتم نگارگری‌های ایرانی و به‌طور کلی تاریخ نقاشی ایران نیز نقش بسیار پررنگی در شکل پرداختن به این موضوعات از سوی هنرمندان معاصر داشته است.

زنان و یک مبارزه دائمی

محور تمام آثار من زن است. این روندی است که از نخستین کارهای من شروع شده و ادامه دارد و در کارهای آینده‌ام هم کماکان زن سوژه محوری است. برای نمونه عنوان نمایشگاهی که سال ۱۳۹۶ در گالری ساریان برپا کردم «از دختران قاف» بود در این نمایشگاه هم زن موضوع اصلی نقاشی‌هایم بود. این نمایشگاه از تعدادی طراحی و نقاشی روی بوم تشکیل شده بود که در آنها برای نشان دادن استواری و قدرتی که زنان تمام کشورهای دنیا در راه مبارزه برای دستیابی به آزادی‌شان از خود نشان داده‌اند، بدن زن را با «کوه» ترکیب کرده بودم. گویی بدن زنان در طول سال‌های سخت مبارزه و تلاش برای تغییر، به کوه تبدیل شده بود. فکر می‌کنم این مساله صرفاً مختص به من هم نیست. به‌طور کلی یکی از اتفاقاتی که در آثار زنان نقاش افتاده این است که نسبت به گذشته، بیشتر از مسائل خودشان می‌گویند. اتفاقاتی که دوروبرشان می‌افتد، تبعیض‌هایی که نسبت به آنها روا داشته می‌شود و دردها، رنج‌ها و شادی‌هایشان بیشتر از قبل در کارهایشان نمایان است. این بازتابی و توجه هم در تکنیک و هم در سوژه‌ای که انتخاب می‌کنند خودش را نشان می‌دهد.